

بررسی ابعاد هنری و مفهومی شعر رضوی در عصر صفوی

مریم جعفرزاده^۱

چکیده

«ابعاد هنری و مفهومی شعر رضوی در عصر صفوی» عنوان پژوهشی است که به بررسی سیمای امام رضا علیه السلام و مضامین گوناگون شعر رضوی در دیوان هشت تن از مهم ترین شاعران دوره صفوی از جمله اهلی شیرازی (ف. ۹۴۲.ه.ق.)، نظیری (ف. ۱۰۲۱.ه.ق.)، شیخ بهایی (ف. ۹۵۳.ه.ق.)، محتشم کاشانی (ف. ۹۹۶.ه.ق.)، شفایی اصفهانی (ف. ۱۰۳۸.ه.ق.)، طالب آملی (ف. ۱۰۳۶.ه.ق.)، صائب تبریزی (ف. ۱۰۱۶.ه.ق.) و حزین لاهیجی (ف. ۱۱۰۳.ه.ق.) می پردازد.

در این مقاله، پس از معرفی نمونه هایی از ستایش حضرت رضا علیه السلام در اشعار این شاعران، به برخی ویژگی های مضامین آنها پرداخته می شود. امام رضا علیه السلام و ویژگی های ایشان از جمله القاب و اوصاف، علم و دانش امام، جود و بخشش امام و عدالت و ظلمستیزی امام؛ امامت و ولایت، تولی، شفاعت، توسل، شهادت، خراسان و حرم امام علیه السلام از جمله موضوعات فراوان و مورد توجه در اشعار شعرا و ادیبان این دوره تلقی می شود که به گونه ای بیانگر نگاه غالب در جامعه آن روزگار نیز می باشد.

کلیدواژه ها: دوره صفوی، شعر رضوی، شاعران عصر صفوی، امام رضا علیه السلام.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران.
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

۱. بیان مسئله

از زمان پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله شاعرانی بوده‌اند که در ستایش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خاندان پاک ایشان سروده‌هایی داشته و گاه مورد تشویق این خاندان نیز قرار گرفته‌اند. شاعران فارسی زبان نیز در دوره‌های مختلف ادب فارسی به این خاندان بزرگوار توجه بسیار داشته و به سبب و اهداف گوناگونی در شعر خویش از ایشان یاد کرده‌اند به نحوی که در بیشتر مثنوی‌های مهم و مطرح ادب فارسی بعد از ستایش پروردگار، نعت پیامبر صلی الله علیه و آله به چشم می‌خورد؛ اما در خصوص مدح امام رضا علیه السلام باید گفت در شعر فارسی «قدیمی‌ترین عرض ارادت به پیشگاه ملائک آستان سلطان توس علیه السلام در دیوان حکیم سنایی غزنوی (۴۶۷-۵۲۹ ه.ق) دیده می‌شود» (هادی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸). البته مدح ائمه در دوره‌های مختلف، بسته به سیاست حکومت‌ها متفاوت بوده است چنانکه سیاست مذهبی برخی پادشاهان در عصرهای گوناگون، توسعه علوم دینی را به دنبال داشته است.

سلسله صفوی اولین دولتی بود که مذهب شیعه را در ایران به رسمیت شناخت و در این راه مجاهدت سیاسی، نظامی، علمی و ادبی بسیار نمود. دکتر زرینکوب ایجاد دولت ملی، ترویج مذهب شیعه، تشویق صنایع داخلی، توسعه و تأمین طرق تجارت و ایجاد ابنیه و آثار خیر را حاصل فرمانروایی سلسله صفوی می‌داند (زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵). ظهور علما و فقها و حکمای نامی از افتخارات دوره صفوی به شمار می‌رود که بزرگانی همچون شیخ بهایی، میرداماد، عبدالرزاق لاهیجی، ملا محسن فیض کاشانی، محمد تقی مجلسی، محمد باقر مجلسی و... از علما و حکمای این دوره‌اند.

واضح است که این سیاست دینی در افکار و اندیشه‌های شاعران این عصر نیز تأثیر بسیار داشته است و به ویژه تشویق پادشاهان از مرثیه‌سرایی و مرثیه‌سرایان یا آنان که به ذکر مناقب آل علی علیه السلام مبادرت می‌کردند، بر درجه رواج این نوع شعر افزود؛ چنانکه در این عصر مرثیه‌سرایی و مدح ائمه اطهار علیهم السلام بسیار رواج یافت. شاعران به هر بهانه پلی بسته‌اند تا خود را به حضرت امام رئوف، امام رضا علیه السلام پیوند دهند. گاه در مدح ایشان قلم فرسایی کرده و گاه در طلب خویش به ایشان روی آورده‌اند و به هر گونه جریده خویش را به نام حضرت، زینت داده‌اند. از آنجا که می‌توان از شعر به عنوان آیینۀ اندیشه‌ها نام برد لذا با بررسی شعر شعرای عصر صفوی به اندیشه شعرای این عصر می‌توان پی برد. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین مضامین مورد استفاده شده شعرای عصر صفوی در اشعار رضوی کدام است؟

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی درباره اشعار رضوی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

«سیمای امام رضا علیه السلام در شعر پارسی از سنایی تا جامی» (۱۳۸۸) عنوان مقاله‌ای است که نویسنده در آن ابتدا نام شعرا را به ترتیب تاریخی ذکر کرده و سپس اشعار مدحی هر شاعر را می‌آورد. این پژوهش تنها گردآوری اشعار است و تحلیل و بررسی در مورد ابیات صورت نگرفته است و تنها به این نتیجه دست یافته است که از قرن سوم تا قرن نهم، سنایی، خاقانی، ذوالفقار شروانی، عارف تونی، نسیمی و جامی اشعاری در مدح امام رضا علیه السلام سروده‌اند.

پژوهش دیگری با نام «سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصر حضرت» انجام شده که در آن فلاح (۱۳۸۹) به بررسی درون مایه اشعار دعبل، ابونواس و ابراهیم بن عباس صولی پرداخته است. نویسنده در پایان نتیجه گرفته است که شاعران معاصر امام رضا علیه السلام در اثبات حقانیت ولایت و زمامداری امام نقش کارآمدی داشته‌اند که ابونواس بیشترین شعر را درباره حضرت سروده‌اند. همچنین در اشعار شعرا، سجایای اخلاقی امام چون سخاوتمندی، تواضع و مجد و عظمت امام، مصائب و مشکلات ائمه معصومین و غریبی امام رضا علیه السلام و... جلب توجه می‌کند.

«بررسی تطبیقی مداخل رضوی در شعر عربی و فارسی از ابتدا تا پایان قرن دهم» مقاله دیگری است که ولی محمدآبادی (۱۳۹۴) مداخل رضوی را بررسی کرده است و همچنین از نظر بلاغی نیز به صنایع ادبی پر کاربرد در اشعار اشاره می‌کند. نویسنده مقاله به این نتیجه رسیده است که شاعران فارسی‌گوی، چهار قرن پس از شاعران عربی‌گوی به مدح و ستایش امام رضا علیه السلام پرداخته‌اند. مضامین و مفاهیم رضوی در شعر عربی و فارسی - به جز یک یا دو مورد اختلاف - مشترک‌اند. مهم‌ترین موضوعاتی که شاعران در مداخل رضوی بدان اشاره کرده‌اند شامل حق امام رضا علیه السلام و ولایت ایشان بر مسلمانان، ستایش فضیلت‌های اخلاقی امام، اصالت و نسبت امام به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و... است. همچنین در این مقاله برخی صنایع لفظی و معنوی پر کاربرد در اشعار رضوی در زبان فارسی و عربی از جمله اقتباس از آیات قرآن و احادیث، تشبیه، استعاره و... مورد اشاره قرار گرفته است.

آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های ذکر شده متمایز می‌سازد توجه نگارنده به شاعران دوره صفوی (قرن دهم تا دوازدهم) است که در مقالات مذکور به آن پرداخته نشده است

در این پژوهش، ابتدا اشعار رضوی هشت تن از مهم ترین شاعران دوره صفوی شامل اهلی شیرازی (۹۴۲ه.ق)، نظیری (۱۰۲۱ه.ق)، شیخ بهایی (۹۵۳ه.ق)، محتشم کاشانی (۹۹۶ه.ق)، شفایی اصفهانی (۱۰۳۸ه.ق)، طالب آملی (۱۰۳۶ه.ق)، حزین لاهیجی (۱۱۰۳ه.ق) و صائب تبریزی (۱۰۱۶ه.ق) مطالعه گردید و سپس مضامین اشعار دسته‌بندی و به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی شد.

۳. تنوع قالب های شعر رضوی در عصر صفوی

شعر رضوی در عصر صفوی اگرچه قالب های شعری متفاوتی از جمله قصیده، ترکیبند، رباعی، غزل و مثنوی را تجربه کرده است لکن قالب شعری برتر، قصیده است که فضای مدح و وصف را فراهم می سازد لذا آنچه از شعر رضوی در غزل و مثنوی دیده شده است تنها در ابیاتی چند خلاصه می شود.

نکته قابل توجه در قصاید رضوی این است که شعرا به خوبی از ظرفیت پیش‌درآمد قصیده که به اصطلاح به آن «تشبیب» گفته می‌شود استفاده کرده اند. شاعران قصاید خود را یا با وصف طبیعت آغاز می کنند و از روزگار جفایپیشه گله می کنند و یا به وصف یار می نشینند و از بی مهری او گله مندند. گاه قصیده با پرسشی از حریم و درگاه امام آغاز میشود و گاه با بیان مذمت شراب. «تشبیب»، قصیده حزین یادآور غزل عاشقانه است لکن همراه با شکوه و شکایت:

نگذاشت دست حادثه در باغ روزگار
شاخی که آشیانه مرغ چمن شود
(حزین، ۱۳۵۰، ۱۶۴)

شاعر در ادامه، خستگی خویش را به کوی امام رضا علیه السلام می برد تا در وقت مردن و خاک شدن، خاک آستان آن حضرت گردد و بدین گونه به مدح امام گریز می‌زند که در اصطلاح ادبی به آن تخلص می‌گویند:

«حسن مخلص را آن بخش از قصیده که از نسیب و تشبیب به مدح یا مقصود دیگر انتقال یافته و به اصطلاح معروف گریز زده باشد، می‌نامند.» (همایی، بی تا، ۱۶۲ و ۱۶۳)
تخلص این قصیده اینگونه آغاز مدح می کند که:

خواهم تن شکسته سپارم به ارض طوس
گردد چو خاک، خاک در بوالحسن شود
(حزین، ۱۳۵۰، ۱۶۴)

حزین لاهیجی در مدح دیگری از امام رضا علیه السلام، در تشبیب قصیده خویش، ضمن وصف طبیعت با نگاهی گله مند از سپهر، از او می خواهد که رسم جفایپیشگی را رها کند.

وی شکایت خویش را به نزد امام رضا علیه السلام می برد:

بگو آسمان را که با درد نوشان
 به دل جور کمتر ستیزد و گر نه
 شکه دین و دنیا علی ابن موسی
 سلوکی از اینگونه بهتر نماید
 شکایت به دیوان داور نماید
 که خاک درش دیده انور نماید
 (حزین، ۱۳۵۰، ۱۶۷)

شفای اصفهانی ابتدا به وصف یار خویش می پردازد، سپس از بی مهری او گله می کند و شکوه خویش را به درگاه حضرت رضا علیه السلام می برد و این گونه در حسن مخلصی، مدح حضرت را آغاز می کند:

آنکه سفر دوست کرد ذوق و داعش مرا
 نیم نظر هم نکرد بدرقه راه ما
 راضی از او نیستم می روم و می برم
 شکوه بی دردی اش بر در شاه رضا
 (شفایی، ۱۳۶۲، ۱۲)

دیگر قصیده مدحیه شفایی با وصف معشوق آغاز می شود و با یاد یار، قصیده به مدح امام رضا علیه السلام پیوند می خورد:

در خاطر من به یاد تو فرش است آفتاب
 یعنی علی موسی جعفر که یافته است
 چون در حریم خسرو دین پرور آینه
 از خاکروب درگهش اسکندر آینه
 (شفایی، ۱۳۶۲، ۱۴۳)

صائب با پرسش از حریم و بقعه آغاز کرده و در تخلص قصیده نام علی بن موسی الرضا علیه السلام را بیان می کند. وی در قصیده ای دیگر به مذمت شراب می پردازد و از آن برحذر می دارد و قصیده خویش را چنین به نام امام رضا علیه السلام پیوند می دهد که بگذر ز تاک بدگهر و آب او که هست
 سلطان ابوالحسن علی موسی، آن که هست
 هر دانه ایش خونی فرزند بوتراب
 گل میخ آستانه او ماه و آفتاب
 (صائب، ۱۳۶۵، ۱۶/۳۵۵۰)

نظیری نیز در منقبت امام هشتم قصیده ای دارد. وی با وصف طبیعت افسرده دی آغاز می کند و سخن را به آنجا می برد که صلاح عقل آن است که در چنین فصلی، لباس تقوی را از شراب بشویی. وی سپس بادهای دیگر را توصیف می کند؛ بادهای جان فزا و روح بخش که شراب طهور است، نه آن شرابی که انگور آن سبب شهادت امام رضا علیه السلام است. تخلص قصیده وی چنین است:

نه زان شراب که انگور او شهید کند
 شه سریر امامت علی موسی را
 (نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۸)

حزین، در قصیده‌های هر قول و عملی را به قضا نسبت می دهد؛ اگرچه عقیده دارد در کار قضا چون و چرایی هم نیست. در ادامه ابتدا «کلک» خویش را فیض بخش و رامشگر صومعه داران سما می داند و سپس رو به مدح امام رضا علیه السلام می آورد:

کلکم ز نوابخشی آن لعل سخن گوی
رامشگری صومعه داران سما کرد
نی نی غلطم این اثر از وادی قدس است
کز ساحت آن کعبه تمنای صفا کرد
سلطان خراسان که رواق حرمش را
تقدیر به خشت زر خورشید بنا کرد
(حزین، ۱۳۵۰، ۱۶۷)

نظیری در منقبت امام رضا علیه السلام قصیده ای دارد. در ابتدای این قصیده به تعلیم، سخن میگوید و پند و اندرز می دهد که دنبال جهل و نادانی نرو و با ملائکه همراه شو، به امید اینکه از نفس محرمی جانت پرورش یابد و سپس خود را سرزنش می کند که در سرزمین هند باشد و انجام کار پست را برای خردمند عیب می داند و سپس به منقبت امام رضا علیه السلام روی می آورد که:

پیشه شایسته چیست؟ دیده امید را
بر در شاه رضا، تخم به نم کاشتن
(نظیری، ۱۳۷۹، ۴۰۹)

در قصیده ای دیگر که به منقبت امام رضا علیه السلام روی آورده این گونه آغاز می کند:

مرغ خوش الحان دلم غوغای رضوان خوش نکرد
هم نغمه با مرغی نشد گل های بستان خوش نکرد
بهر عزیمت طالعم صد ره به هر در قرعه ز

غیر از حریم در گه شاه خراسان خوش نکرد
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۷۴)

۴. ابعاد و زوایای مضامین شعر رضوی

اهمیت شعر در نزد ائمه اطهار علیهم السلام و نیز تشویق های ایشان زمینه ساز گرایش شعرا به مداحی و مراثی اهل بیت بوده است. در همین زمینه، امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«مَا قَالَ فِينَا مُؤْمِنٌ شِعْرًا يَمْدِحُنَا بِهِ إِلَّا بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ يَزُورُهُ فِيهَا كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ؛
مؤمنی درباره ما مدیحه سرائی نکرده است مگر اینکه خداوند متعال در بهشت برای او

شهری هفت برابر دنیا بنا سازد و هر ملک مقرب و نبی مرسل او را در آن شهر زیارت کند» (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۱۵). در حقیقت این نوع احادیث، بیانگر جایگاه هنر و ادبیات برای تبیین و نهادینه سازی علوم و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

با این حال شعر رضوی در ادبیات فارسی تا قرن ششم جایگاهی ندارد و با سنایی آغاز شده است. شهیدی در این باره معتقد است: «همچنان که می دانیم شعر فارسی نخست از شرق ایران برخاست، سپس سرودن آن در ایران مرکزی و شمال کشور رواج یافت. با توجه بدین نکته که از آمدن اسلام به ایران تا پایان دوره مغولان، مذهب رایج در نشأتگاه شعر فارسی، مذهب حنفی بوده است، نباید توقع داشت شاعران، شعر بسیاری در ستایش آل علی علیه السلام سروده باشند، به خصوص که آنچه باقی مانده، شعرهای مدحی شاعران درباری است که برای زنان سروده‌اند، نه از روی عقیده و ایمان لذا شعرهایی که زاده احساس و عاطفه پاک سرایندگان آن شعراست به تدریج از میان رفته است» (شهیدی، ۱۳۶۵، ص ۵۷۴) اما در دوره صفویه به سبب خدمتی که این حکومت در به رسمیت ساختن مذهب تشیع داشت، اقبال شعرا به مدح ائمه بسیار گشت. در ادامه مهمترین مضمون های شعر فارسی در عصر صفوی بررسی می گردد:

۱-۴. امام رضا علیه السلام، ویژگی ها، القاب و توصیفات

علی بن موسی علیه السلام، هشتمین امام شیعیان مشهور به امام رضا علیه السلام است. وی پس از پدر بزرگوارش به امامت رسید و در ۲۹ ماه صفر سال ۲۰۳ ه.ق به انگور زهر آلوده به دست مأمون الرشید عباسی به شهادت رسید و در زمین طوس در خراسان مدفون گردید. ایشان دارای کنیه «ابوالحسن» و مشهور به امام رضا علیه السلام هستند. از آن جهت حضرت به رضا شهرت دارد که خدا و رسول از ایشان راضی بوده اند. صائب نیز به این نام پروردگار اشاره کرده است:

همچو معنی در ضمیر لفظ پنهان گشته است

در رضای او رضای حضرت پروردگار

(صائب، ۱۳۶۵، ۶/ ۳۵۴۷)

نام اصلی امام علیه السلام همراه با نام پدرشان در شعر شاعران این دوره دیده میشود: «علی»، «علی بن موسی»، «علی موسی الرضا»، «علی موسی جعفر»:

کعبه اهل صفا روی علی موسی الرضاست

کعبه را هم روی دل سوی علی موسی الرضاست
(اهلی، ۱۳۴۴، ص ۵۲۱)

در گه پادشاه ملک صفا

نقد حیدر علی بن موسی
(طالب آملی، بی تا، ص ۱۶۱)

عناوین و ترکیباتی که با «شاه» همراه است: «شاه خراسان»، «شه دین و دنیا»، «شاه
غریبان»، «شاه رضا»، «شه سریر امامت»، «شه اعجاز»، «پادشاه ملک صفا»، «شاه تخت
ارتضا».

نه زان شراب که انگور او شهید کند

شه سریر امامت علی موسی را
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹، ص ۳۳۸)

شه دین و دنیا علی بن موسی

که خاک درش دیده انور نماید
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۹)

الهی الهی به شاه خراسان

خراسان چه باشد! به آن شاه کشور
طواف رضا چون شد او را میسر:

شنیدم که میگفت زاری، غریبی

به حال غریب خود از لطف بنگر
(شیخ بهایی، بی تا، ۱۲۴ و ۱۲۵)

من اینجا غریب و تو شاه غریبان

گاه مظلومیت امام علیه السلام، با صفاتی چون «حاجی محروم از وطن» و «مسموم
غربت» به تصویر کشیده شده است:

به جای نور بصر گشته چشم اعمی را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۸)

شهید خاک خراسان که گرد مرکب او

حاجی محروم از وطن، مسموم غربت بوالحسن

کایام بیامداد او شام غریبان خوش نکرد
(همان، ۳۷۴)

از دیگر اسامی امام رضا علیه السلام که در شعر شاعران این دوره دیده میشود و بیشتر
برگرفته از زبان شعری شاعران است، عبارتند از: «جان جهان»، «جرم شوی صد جهان»،
«ماه ممثل روان»، «مهر معدل جهان»، «معدن کرم»، «خسرو دین پرور»، «مفتاح باب
رحمت»، «بر فیاض» و...:

کز فیض خلق او همه عالم ختن شود
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۴)

جان جهان، امام امم، معدن کرم



زهی امام که مفتاح باب مرحمت است محبت تو رضای ملک تعالی را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۹)

۲-۴. علم و دانش امام

حضرت رضا علیه السلام وارث علم امامت بود یعنی وارث چشمه جوشانی که هیچگاه خشک نمیشود. چشم های که تشنگان دانش و معرفت و بصیرت را سیراب می ساخت و گمشدگان نادانی را هدایت می نمود. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرزندش را عالم آل محمد صلی الله علیه و آله می خوانند. از علی بن یقطین روایت شده است که گفت: « قَالَ لِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ابْتِدَاءً مِنْهُ هَذَا أَفْقُهُ وَوَلَدِي وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ نَحَلْتُهُ كُنْيَتِي؛

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بدون اینکه من از ایشان چیزی سؤال کنم به من فرمودند: او، فقیه ترین و عالم ترین فرزند من است- و با دست خود به حضرت رضا علیه السلام اشاره کردند- و کنیه خود را به او عطا کرده ام» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱ / ۴۱).

دانشت را گر گماری در مسائل بر عقول عقل اول اعتراف اول به نادانی کند
(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۸)

علم، عتیق دلت حلم، رهین گلت
واله طبعت و فاء زاده دستت عطا
(شفایی، ۱۳۶۲، ۱۳)

آنچه تا روز جزا در پرده شب مختفی است پیش علم او بود، چون روشن آشکار
(صائب، ۱۳۶۵، ۳۵۴۶/۶)

از علم تو بر سفینه منبر چو نهاد یونان کشید سر ز خجالت به زیر آب
(همان، ۳۵۵۱/۶)

۳-۴. جود و بخشش امام

جود و بخشش امام فراگیر بود و حدی نداشت لذا هر کس از امام هر چه طلب میکرد، امام بیدریغ به او عطا میکردند. نقل است که حضرت، زمان ولیعهدی شان در خراسان، در روز عرفه تمام اموال خویش را میان نیازمندان تقسیم فرمودند و آنگاه که فضل بن سهل به ایشان گفت که این خسارت و زیان است، پاسخ فرمودند که این سود و غنیمت است. پس چیزی را که با آن مزد و کرامتی بتوان یافت، خسارت مپندار؛

«وَفَرَّقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَّاسَانَ مَالَهُ كُلَّهُ فِي يَوْمٍ عَرَفَةَ فَقَالَ لَهُ الْفَضْلُ بْنُ سَهْلٍ إِنَّ هَذَا

لَمَغْرَمٌ فَقَالَ بَلْ هُوَ الْمَغْنَمُ لَا تَعْدَنَّ مَغْرَمًا مَّا ابْتِغَيْتَ بِهِ أَجْرًا وَكَرْمًا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴/۳۶۱)

جود و بخشش امام در زمان مماتشان نیز به طالبان فیض می رسد و به قول نظیری: «از فیض اعجاز و کرم باشد مماتش چون حیات»، امام ابر فیاضی است که ابر آسمان در برابر جود او شرمنده است. معدن کرم است که فیض بخشی او عالم را ختن می کند. کف بخشندهٔ او خاک را زر می نماید و احسان و الطاف او شامل حال سلطان و گدا می گردد و هر تخم آرزویی را بر می دهد.

خوردش از دستگیر فقر شود

خور کند اکتساب نور از ماه

(طالب آملی، بی تا، ۱۶۱)

چون کفش آستین برافشاند

فقر در سیم و زر نهان گردد

(همان)

تو گرنامه ابر فیاضی

من کف خاک آرزوناکم

(همان)

گر نیست گهربخشی آن دست سخاسنج

کز خواست فزون در کف امید گدا کرد

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۶)

تویی آنکه هنگام مسکین نوازی

کف کافیت خاک را زر نماید

(همان، ۱۶۹)

از رغبت احسان تو امید گلگل بشکفد

صبح این چنین ایام را پر ذوق و خندان خوش نکرد

(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۷۵)

به هر گیاه که ابر سخات آب دهد

دهد به قاعده بار درخت طوبی را

(همان، ۳۳۹)

هر که ز احسان تو جیب امل پر نکرد

ماند ز بیماریگی کیسه تهی چون خلا

(شفایبی، ۱۳۶۲، ۱۳)

بسط کف باذلت گر شود اکسیرساز

فقر شود ممتنع، آز شود کیمیا

(همان)

آن که گر اوراق فضلش را به روی هم نهند

چون لباس غنچه گردد چاک این نیلی حصار

(صائب، ۱۳۶۵، ۶/۳۵۴۶)

جودش به شیر پرده دهد طعمه ی سخا

عفوش کشد به روی خطا پرده ی صواب
(همان، ۳۵۵۰/۶)

۴-۴. عدل و ظلم ستیزی امام

عدالت و ظلم ستیزی حضرت از دیگر صفات ایشان است که شاعران نیز به آن اشاره کرده اند.

عدلش از تکیه گاه عجز شود
حمله بر شیر آورد روباه
(طالب آملی، بی تا، ۱۶۱)

عدل حفیظت اگر رفع تعدی کند
کم نکند نیم مو از سر هستی فنا
(شفایی، ۱۳۶۲، ۱۴)

جز ریش های ظلم را عدلت چو مرهم به نساخت

جز مبتلای درد را لطفت چو درمان خوش نکرد
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۷۵)

۵-۴. امامت، ولایت و پیشوایی

مقام امامت، منصبی الهی است و به تعیین و تصریح رسول خدا صلی الله علیه و آله و معرفتی امام حاصل می گردد. امام رضا علیه السلام در سال ۱۸۳ ه.ق در سن سی و پنج سالگی بر مسند الهی امامت تکیه زدند. در همین زمینه، «مخزومی» می گوید:

«بَعَثَ إِلَيْنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجِئْنَا ثُمَّ قَالَ أ تَدْرُونَ لِمَ دَعَوْتُمْ قُلْنَا لَا قَالَ اشْهَدُوا أَنَّ ابْنِي هَذَا وَصِيٌّ وَالْقِيَمُ بِأَمْرِي وَ خَلِيفَتِي...»

امام موسی بن جعفر علیه السلام ما را احضار فرمود و گفتند: آیا میدانید چرا شما را طلبیدم؟ خواستم تا گواه باشید که این پسر من - اشاره به امام رضا علیه السلام - وصی و جانشین من است» (طبرسی، ۱۳۳۸، ۳۰۴).

در بیت زیر، نظیری به «امامت بعد از هفت امام» اشاره می کند:

امام ثامن ضامن که در شریعت حق
ز هفت مفتی صادق گرفته فتوی را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۸)

یا محتشم می گوید:

آفتاب بی زوال آسمان داد و دین
نوربخش هفتمین اختر، امام هشتمین
(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۵)

شاعران همچنین به «ثامن بودن» حضرت امام رضا علیه السلام اشاره کرده اند:
 یارب یارب به رضا شه دین
 آن ثامن من اهل یقین
 (شیخ بهایی، بی تا، ۱۸۰)

در امامت هشتمین نوبت که مخصوص تو بود

عرشیان بر بام این نه گنبد مینا زدند
 (محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۹)

۶-۴. تولی و محبت ایشان

دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان که از فروع دین نیز محسوب می شود، در حقیقت اجر رسالت پیامبران است؛ چنانکه در قرآن آمده است:
 «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری/۲۳) لذا بسیاری از شعرا محبت اهل بیت را سبب سعادت خویش می دانند؛ چنانکه در ابیات شاعران، محبت امام رضا علیه السلام سبب آمرزش گناهان و رسیدن به بهشت و جاودانگی است:

زهی امام که مفتاح باب مرحمت است
 چنانکه برگ بریزد ز تندباد خزان
 محبت تو رضای ملک تعالی را
 محبت تو بریزد گناه کبری را
 (نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۹)

به نزد مالک دوزخ روان کند رضوان
 محبت نکند گر نشانه مجری را
 (همان، ۳۳۹)

جای آن کافر که در میزان نهندش حب تو

دوزخی باشد که باشد هم ترازوی بهشت

(محتشم کاشانی، ۱۳۷۹، ۲۰۶)

هر کس که با ولای تو در زیر خاک رفت
 آید به صبح حشر برون همچو آفتاب
 (صائب، ۱۳۶۵، ۳۵۵/۶)

۷-۴. شفاعت و دستگیری ایشان

شفاعت امام رضا علیه السلام یکی از مضامین شعر رضوی است. امام رضا علیه السلام خود امید به این مسئله را در نزد شیعیان زنده نگه داشته است:

«مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا تَشَفَّعْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ مرا زیارت نکند احدی از شیعیانم، در حالی که عارف به حق من باشد جز آنکه او را در روز قیامت شفاعت خواهم کرد» (صدوق، ۱۳۷۲، ۶۳۷/۲).



در ابیات زیر شاعران به مقام شفاعت امام اشاره کرده اند.

امام ثامن ضامن که روز بازپسین
به گوش خوف رساند ندای بشری را
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹، ۳۳۸)

تو گر به روز قیامت شفیع خلق شوی
عذاب نیست پرستندگان عزی را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۹)

ای نسیم رحمت برعکش از روی بهشت

عاصیان از جذبۀ لطفت روان سوی بهشت
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۰۶)

طول ایام شفاعت کم نبود اما خدا
بیشتر کار گنهکاران در ایام تو ساخت
(محتشم کاشانی، بی تا، ۲۰۶)

در تسلی کاری ذات شفاعت خواه تو
مغفرت را بسته حق در کار بر درگاه تو
(همان، ۲۰۶)

روزی که دست او به شفاعت علم شود
خجالت کشد ز دامن پاک گنه، ثواب
(صائب، ۱۳۶۵، ۳۵۵۰/۶)

۸-۴. توسل و طلب حاجات

توسل به اهل بیت علیهم السلام ریشه در آیات قرآن دارد. بنابر برخی روایات شیعه مقصود از ریسمان الهی در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» اهل بیت پیامبر علیهم السلام است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۷۸). لذا شعرا نیز ائمه علیهم السلام را وسیله حاجات خویش قرار داده اند و با توسل به آنها خواسته های دنیوی و اخروی خویش را طلب کرده اند. در ابیات زیر طلب حاجات از امام رضا علیه السلام از زبان شعرا مطرح است:

آمده ام جان به کف، دیده بر احسان تو
تحفه من کن قبول، حاجت من کن رو
(شفایی، ۱۳۶۲، ۱۴)

وگر امید «نظیری» بر تو عرضه کنم
پر از مراد کنی دامن تمنا را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۴۰)

مراد دل به تو گفتم دگر تو می دانی
زبان من به دعا ختم کرد دعوا را
(همان، ۳۴۱)

کنون که لب به شکایت گشوده ام خواهم
که نوشم از کف تو شربت تسلّا را
(همان، ۳۴۰)

گاه «آرزوی زیارت امام رضا علیه السلام» و «امید دعوت شدن» به کوی وی را دارند:
یک بار هم آواره خود را به درت خوان در حسرت کوی تو چها دید و چها کرد

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۷)

یا شاه غریبان، مددی کن که توانم یک سجده شکرانه به کوی تو ادا کرد

(همان، ۱۶۷)

دین پناها گرچه یک نوبت به نام بنده نیز از طواف نوبت این دولت عظمی زدند

چشم آن دارم که دولت باز رو در من کند بار دیگر چشم امید مرا روشن کند

(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۹)

حزین لاهیجی زمین بوسی آستان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را از حضرت رضا علیه السلام طلب می کند:

همین از تو خواهد که یک بار دیگر زمین بوس درگاه حیدر نماید

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۹)

پیشتر درباره مقام شفاعت امام رضا علیه السلام سخن گفتیم؛ یکی از مواردی که شعرا به آن توسل جسته اند طلب شفاعت از حضرت است که در شعر برخی شاعران دیده می شود:

کارم آن گه راست کن شاها که از بار گناه پشت طاقت خم کند شاهین میزان همه

(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۷)

التماس این است کز من عفو اگر دامن کشد وز پلاس عبرتم در حشر پوشاند لباس

عذرگویان از دلش بیرون بری اکراه من خار دامنگیر عصیان بر کنی از راه من

(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۱۰)

در سایه همای شفاعت مرا بگیر تا سر برآورم ز گریبان آفتاب

(صائب، ۱۳۶۵، ۳۵۵۱/۶)

گاه نیز خواسته های شاعران در ارتباط با شعرشان است؛ محتشم پس از مدح قلم خویش امیدوار است تا امام رضا علیه السلام ایشان را مورد تحسین خویش قرار دهند:

گوش بر غیبم که در تحسین نوایی بشنوم از غریو کوس رحمت هم صدایی بشنوم

(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۱۰)

طالب آملی از حضرت خواسته است تا به او فن سخندانی عطا کند:



می توانی به یک کرشمهٔ لطف
 طبع چون من سیه گلیمی را
 که هم از رشگ او شود پرنور
 ساختن در فن سخندانی
 آن چنان فیض بخش و نورانی
 تربت سحرسنج شروانی
 (طالب آملی، بی تا، ۱۶۲)

نظیری نیز از حضرت طلب صله می کند:
 چنان ثنای تو گوید که شوق جایزه اش

زبان دهد به ته خاک معن و یحیی را
 (نظیری، ۱۳۷۹، ۳۴۰)

عافیت و پاکی روح از دیگر خواسته‌های شاعران است:

مگذار بیش از این ز سپهر ستم مدار
 جان حزین خسته اسیر محن شود
 (حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۵)

آرزو اینکه از تراوش لطف
 سازی از تیره خاطری پاکم
 (طالب آملی، بی تا، ۱۶۲)

۹-۴. شهادت امام رضا علیه السلام

شهادت امام رضا علیه السلام به دلیل توطئه و نقشهٔ مأمون هفتمین خلیفه از خلفای عباسیان بود. وی به پایمردی طاهربن حسین ملقب به ذوالیمینین بر برادر خود، امین پیروز شد و در مرو به خلافت رسید. مأمون که از توجه جامعه و مردم به حضرت رضا علیه السلام در هراس بود و از طرفی با نارضایتی بنی عباس در مورد واگذاری ولایتعهدی به امام علیه السلام روبه رو بود و حکومت خویش را از جهات بسیاری در خطر میدید، پنهانی درصدد نابودی امام برآمد و او را مسموم ساخت تا هم از ترس مقام و منزلت امام خلاصی یابد و هم بنی عباس را به سوی خود جلب کند.

نام مأمون تنها در شعر نظیری که در منقبت علی بن موسی الرضا علیه السلام سروده، آمده است.

مأمون جمال و جاه و جا بهر فریبش عرضه کرد

محو شهودش بود دل این خوش مگردان خوش نکرد
 (نظیری، ۱۳۷۹، ۳۷۵)

هرچند پیمان در میان آورد در کار جهان

جز بیعت و پیوند حق در حفظ ایمان خوش نکرد
 (همانجا)

مأمون پس از شهادت امام علیه السلام به بنی عباس نوشت: «شما انتقاد می کردید که چرا مقام ولایتعهدی را به علی بن موسی الرضا وا گذاشته ام، آگاه باشید که او درگذشت، پس به اطاعت من درآیید» (طبری، بی تا، ۱۱/۱۰۳۰).

در مورد شهادت امام رضا علیه السلام نیز برخی از شاعران ابیاتی سروده اند:

سلطان دین و شاه خراسان، علی که زهر خورد از رضا چو شهید و دل دشمنان گشاد
(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴، ۴۵۲)

شهید خاک خراسان که گرد مرکب او به جای نور بصر گشته چشم اعمی را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۸)

یا نظیری نیشابوری به انگور زهرآلودی که وسیله شهادت آن حضرت بود اشاره می کند
انگور زهر کین به دهانش عدو نهاد عقد درش ز درج عقیق یمن فتاد
(همان، ۴۹۸)

نه زان شراب که انگور او شهید کند شه سریر امامت علی موسی را
(همان، ۳۳۸)

وی همچنین به حضور امام جواد علیه السلام بر سر بالین امام رضا علیه السلام اشاره دارد و می گوید:

حاضر شد از مدینه تقی وقت مردنش در دست و پای آن شه اعجاز فن فتاد
برداشت سر ز خاک و لبش بر لبان نهاد وانگه لعابی از دهنش در دهن فتاد
(همان، ۴۹۸)

صائب در ابیات زیر با حسن تعلیل از شهادت امام رضا علیه السلام یاد می کند:

زهر در انگور تا دادند او را دشمنان ماند چشم تاک تا روز قیامت اشکبار
تاک را چون مار هر جا سبز شد سر میزنند تا شد از انگور کام شکرینش زهربار
(صائب، ۱۳۶۵، ۳۵۴۷/۶)

بگذر ز تاک بدگهر و آب او که هست هر دانهایش خونی فرزند بوتراب
(همان، ۳۵۵۰/۶)

تاک را افتاده تاب اندر رگ جان تا عنب کرده تلخ از زهر، عناب شکربار تو را
(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۸)

بیخ تاک از خاک کندی قهر ربانی اگر اندکی مانع ندیدی حلم بسیار تو را
(همان، ۳۰۸)

تا به تلبیس عنب بادامت اندر خواب شد خواب در چشم محبان تا ابد نایاب شد
(همان، ۳۰۸)



۱۰-۴. خراسان و حرم مطهر امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام با اکراه خویش از مدینه به طوس آمد و با توطئه مأمون به شهادت رسید و در طوس دفن گردید. قبل از شهادت از مکان دفن خویش خبر داده است. حضرت در طوس به خانه «حمید بن قحطبه طائی» وارد شد و به بقعه ای که هارون الرشید در آن مدفون بود، در آمد و در یک سوی قبر هارون با دست خطی کشید و فرمود: «هذه تربتی، فیها ادفن و سيجعل الله هذا المكان مختلف شيعتی و اهل بیتی...» (به نقل از مجلسی، ۱۳۸۹، ۴۹/۱۲۵) از جمله مضامین رضوی که در شعر این دوره راه یافته است خراسان و اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام و وصف آستان و بارگاه آن حضرت است که در ادامه می آید.

الف - خراسان

وجود مطهر امام رضا علیه السلام در زمین خراسان سبب توجه شعرا به خراسان و یادکرد آن در اشعار متعدد شده است. شاعران سفر امام به طوس را سبب رشک دیگر شهرها و وجود مبارک حضرت را در خراسان سبب حیات خراسان دانسته اند. با آنکه طوس از مقدمت پر ارغوان و لاله شد

پای تو را از زحمت خار مغیلان خوش نکرد

(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۷۶)

ملک خراسان ز تو تا شده نزهت طراز

عالم ارواح ازوست مضحکه روستا

(شفایی، ۱۳۶۲، ۱۳)

رشک آن گنج دفین کش خاک مشهد مدفن است

از زمین تا آسمان است آسمان را بر زمین

(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۶)

از تربت تو خاک خراسان حیات یافت

آری ز دل به سینه رسد فیض بی حساب

(صائب، ۱۳۶۵، ۱/۶، ۳۵۵)

از زهر رشک خاک نشابور سبز گشت

تا گشت ارض طوس ز جسم تو کامیاب

(همان، ۱/۶، ۳۵۵)

جدول بحر رسالت کز وجود فایضش

خاک پاک طوس شد از بحر رحمت مایه دار

(همان، ۱/۶، ۳۵۴)

از تربت تو خاک خراسان حیات یافت

آری ز دل به سینه رسد فیض بی حساب

(همان، ۱/۶، ۳۵۵)

از ناسپاسی گشته ام محروم از آن جنت بلی

آدم اسیر هند شد چون خلد رضوان خوش نکرد

از شوق طوف مشهدت بنشینم از سعی و سفر

باری به وادی جان دهم گر کعبه قربان خوش نکرد

از باد طوسم تازه کن در آتش هندم مسوز

کز خاک و ابل خاطر م تا آب ملتان خوش نکرد

(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۷۷)

ب- زیارت امام رضا علیه السلام

در فضیلت و اهمیت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام اخبار بسیاری وارد شده و ثواب

بسیاری برای زائران نوشته اند از جمله این روایت:

«سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيٍّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعُونَ حَجَّةً مَبْرُورَةً قُلْتُ سَبْعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً قَالَ نَعَمْ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ؛

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده اند که فرمود هر که زیارت کند

قبر فرزندان علی را نزد خدای تعالی ثواب هفتاد حج و عمره مقبول خواهد داشت، راوی

استبعاد کرد و از روی استعجاب پرسید: هفتاد حج مقبول؟ فرمود هفتاد هزار حج

مقبول» (عمادزاده اصفهانی، ۱۳۶۱، ۲۹۲/۲). همچنین رسول خدا فرموده است هر کس

فرزندم علی را در خراسان زیارت کند، بهشت بر او واجب می گردد و آتش دوزخ بر او

حرام می گردد؛

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَتُدْفَنُ بَعْضُهُ مِنِّي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةُ، وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» (به نقل از مجلسی، ۱۳۸۹، ۳۳۳/۲۲).

شاعران نیز به فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام اشاره کرده اند و طواف کوی حضرت

را برابر با حج پیاده یا هفتاد حج دانسته اند.

یک طواف کوی او هفتاد حج آمد ولی هر قدم یک کعبه در کوی علی موسی الرضاست

(اهلی، ۱۳۴۴، ۵۲۱)

ای که بر نقد طوافت سکه هفتاد حج از حدیث نقد رخشان سکه بطحا زدند

(محتشم کاشانی، بی تا، ۳۰۹)

آنکه باشد یک طواف مرقدش هفتاد حج فکر صائب چون تواند کرد فضلش را شمار؟

(صائب، ۱۳۶۵، ۳۵۴۸/۶)



به هر قدم که نهی در حریم روضه او
به ذوق تر ز کلیمانند نقشهای گلیم
فروغ قبه خورشید شکل مرقد او

نهاده اند اقامت ریاض عقبی را
نموده جبهه هر خشت صد تجلی را
نموده بدر فروزنده چشم اعمی را
(نظیری، ۱۳۷۹، ۳۳۸)

اطلس گردون مگر خواست به این بارگاه
صبح برو خنده زد گفت که ای ساده دل

خیمه برابر زند از سر عجب و دغا
چتر حبایی کجا، قبه گردون کجا
(شفایی، ۱۳۶۲، ۱۴)

رواق جلال تو شأن بزرگی

به این کاخ فیروزه منظر نماید
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰، ۱۶۹)

۵. نتیجه گیری

سلسله صفوی اولین دولتی بود که مذهب شیعه را در ایران به رسمیت شناخت. تشویق پادشاهان از مرثیه سرایان یا کسانی که به ذکر مناقب آل علی علیه السلام مبادرت میکردند، سبب شد که در این عصر مرثیه سرایی و مدح ائمه اطهار علیهم السلام بسیار رواج یابد. اهلی شیرازی، نظیری، شیخ بهایی، محتشم کاشانی، شفایی اصفهانی، طالب آملی، حزین لاهیجی و صائب تبریزی از شاعرانی هستند که به مدح ائمه اطهار علیهم السلام و از جمله حضرت امام رضا علیه السلام روی آورده اند. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که:

مضامین شعر رضوی در اشعار شاعران عصر صفوی تنوع و گستردگی فراوان دارد. این مضامین در چند محور اصلی از جمله وجود مقدس امام رضا علیه السلام و ویژگی‌های ایشان، امامت، تولی، شفاعت، توسل، شهادت، خراسان و حرم امام علیه السلام سروده شده است.

برجسته‌ترین ویژگی امام رضا علیه السلام در بیان القاب و توصیفات ایشان، دانش امام علیه السلام، جود امام علیه السلام و عدل امام علیه السلام مطرح گردیده است. قالب شعری برتر در مدح امام رضا علیه السلام قالب شعری قصیده است و شعرا با طرح شکوه از روزگار و یار و نیز مذمت ظلم و ستم دستگاه سلاطین عباسی و... به مدح امام رضا علیه السلام گریز زده اند.



منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ ش.
۲. اهلی شیرازی، *کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی*؛ به کوشش: حامد ربانی، بی جا، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴ ش.
۳. حزین لاهیجی، *دیوان حزین لاهیجی*، با تصحیح: بیژن ترقی، بی جا، انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۵۰ ش.
۴. زرین کوب، عبدالحسین، *از گذشته ادبی ایران*، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳ ش.
۵. شفای اصفهانی، *دیوان حکیم شفایی اصفهانی*، به کوشش: لطفعلی بنان، بی جا، اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، ۱۳۶۲ ش.
۶. شهیدی، سید جعفر، *ستایش و سوگ امام رضا علیه السلام در شعر*، مشهد، برگرفته از مجموعه آثار دوّمین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۵ ش.
۷. شیخ بهایی، *کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی*، به کوشش سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران: نشر چکامه، بی تا.
۸. صائب تبریزی، محمدعلی، *دیوان*، تصحیح محمد قهرمان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
۹. صدوق ابن بابویه قمی، محمدبن علی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح شیخ حسین الاعلمی، مکتبه الشیعه، ۱۴۰۴ ق.
۹. -----، *ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام*، به قلم محمدتقی اصفهانی نجفی، ترجمه علی اصغر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طالب آملی، *کلیات اشعار ملک الشعرا طالب آملی*، به اهتمام: شهاب طاهری، بی جا، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*؛ تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، *تفسیر الطبری جامع البیان عن تأویل آیه القرآن*، مصر: دارالمعارف، بی تا.

۱۴. عمادزاده اصفهانی، عماد الدین حسین، *زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام*، بی جا، انتشارات گنجینه و نشر محمد، ۱۳۶۱ ش.
۱۵. فلاح، ابراهیم، *سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصرش*، دانشنامه، دوره ۴، صص ۷۱-۸۲، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، صحیح: محمد باقر بهبودی. تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. محتشم کاشانی، *دیوان محتشم کاشانی*، به کوشش: مهر علی گرگانی، بی جا، انتشارات کتابفروشی محمودی، بی تا.
۱۸. نظیری نیشابوری، *دیوان نظیری نیشابوری*، تصحیح: محمد رضا طاهری، تهران: انتشارات رهام، ۱۳۷۹ ش.
۱۹. همایی، جلال الدین، *صناعات ادبی*، بی جا، مؤسسه مطبوعاتی علمی، بی تا.
۲۰. هادی، روح‌اله، *سیمای امام رضا علیه السلام در شعر پارسی از سنایی تا جامی*، بهار ادب، سال دوم، ش ۲، صص ۱۵۵-۱۷۰، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. یلمه‌ها، حمیدرضا و مهدیه ولی محمدآبادی، *بررسی تطبیقی مدایح رضوی در شعر عربی و فارسی از ابتدا تا پایان قرن دهم*، کاوش نامه ادبیات تطبیقی. ۵ (۲۰)، صص ۱۰۳-۱۲۱، ۱۳۹۴ ش.

پایگاه‌ها و نرم افزارها

پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

نرم افزار جامع التفاسیر نور (نسخه ۴)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار جامع الاحادیث (نسخه ۳)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار کتابخانه تخصصی امام رضا علیه السلام (نسخه ۲)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

The artistic and conceptual dimensions of Razavi's poetry in the Safavid era

Abstract

“The artistic and conceptual dimensions of Razavi's poetry in the Safavid era” is the title of a research that examines the image of Imam Reza (peace be upon him) and the various themes of Razavi's poetry in the court of eight of the most important poets of the Safavid era, including Ahli Shirazi (942 AH), Naziri (1021 AH), Sheikh Bahai (953 AH), Mohtasham Kashani (996 AH), Shafai Esfahani (1038 AH), Taleb Amoli (1036 AH), Saeb Tabrizi (F. 1016 AH) and Hazin Lahiji (F. 1103 AH).

In this article, after introducing examples of the praise of Hazrat Reza (peace be upon him) in the poems of these poets, some features of their themes are discussed. Imam Reza (a.s.) and his characteristics, including titles and attributes, Imam's knowledge and wisdom, Imam's goodness and forgiveness, and Imam's justice and anti-tyranny; Imam's shrine and Wilayat, Tuli, intercession, appeal, martyrdom, Khorasan and Imam's shrine are among the many and important topics in the poems of poets and writers of this period, which also express the dominant view in the society of that time.

Keywords: Safavid period, Razavi poetry, poets of the Safavid era, Imam Reza (AS).

